

عباس هوشمند، مسئول هیئت امنای در مانگاه امام هادی (ع)، که موسفید کرده محله سیدی است

۶ کلاس سوادمکتبی، یک دنیا جنم کاری

می شود، همان طور که تعداد مراجعات زیادت می شود. نیازهای مردم روز به روز بیشتر می شود و آن ها دلشان می خواهد بهترین خدمات را بدهند. ساخت طبقه دوم در مانگاه ابا و جودی بولی شروع می کنند. شهرداری به صاحبان کاراژ در صبا اعلام می کند برای گرفتن پروانه باید معادل یک دستگاه کامیون به در مانگاه کمک کنند. همین هم می شود؛ بولی که طبقه دیگر در مانگاه را می سازد.

تعارف های کم

از خود مجموعه بول در می آورند و خرج خودش می کنند و گاهی هم مبلغی را خیران کمک می کنند. هوشمند می گوید: «۶ ماه ضرر کردیم تا توانستیم در مانگاه را به خودکفایی برسانیم. الان از هیچ ارگانی کمک نمی گیریم»

قیمت های در مانگاه حتی از تعرفه های خیریه هم کمتر است. در مانگاه تا مبلغ ۲۰۰ هزار تومان هزینه داروی افراد نیازمند را تقبل می کند. او که از قدیمی های محل است و خانواده های بی بضاعت منطقه را خوب می شناسد، برایش کار سختی نیست که این افراد را تشخیص بدهد. از طرفی به دانش آموزان منطقه خدمات رایگان داده می شود، فقط کافی است از طرف مدرسه معرفی نامه داشته باشند. با همکاری بهداشت به چند روستا خدمات رایگان می دهند. خدمات پزشکی سه ماه اول بارداری برای بانوان منطقه هم بدون هزینه است. هوشمند می گوید: «۴۰ سال کارم این است. اینجا به آدم های ضعیف کمک می کنیم»

۴۰۰ مراجعه در روز

حالا دیگر خبری از یک در مانگاه فکس سنی سه اتاقه نیست و در مانگاه برای خودش ارج و قربی میان اهالی محل دارد. از تمام تخصص ها در مانگاه به کارگیری می شود و اهالی محل نیازی به مراجعه به مناطق دیگر ندارند. بیشتر از ۴۰۰ مراجعه در روز دارند که متقاضی استفاده از بخش های مختلفند. ۸۳ نفر در این در مانگاه اشتغال به کار دارند که ۳۰ دکتر و ۵۳ نفر پرسنل هستند. حاجی هوشمند دلش می خواهد بتواند بهترین خدمات را به مردم منطقه اش بدهد و شاید به همین خاطر است که از بیکار ماندن یونیت های دندان پزشکی ناراحت است.

داروخانه داشتیم اما تعطیل شد

سال های سال داروخانه در مانگاه هم در کنار در مانگاه، پاسخ بیماران را می داد اما بنا بر قوانین به آن ها اعلام شد نباید داروخانه داشته باشند.

هوشمند می گوید: «زمانی که داروخانه داشتیم، دستمان برای کمک به مردم باز بود و می توانستیم به کسانی که نیازمند هستند، کمک های دارویی بکنیم. تعرفه هایمان هم از داروخانه های دیگر کمتر بود.»

با اینکه در اساسنامه شان داروخانه لحاظ شده است، مجبور شده اند آن را جمع کنند تا مردم دار و هایشان را از دیگر جاهات تامین کنند. هر روز تعداد افراد مراجعه کننده بیشتر می شود و امیدهای رئیس در مانگاه برای گسترش آن، بلند بالاتر.

او که مرارت های زیادی برای سرپا نگه داشتن اینجا کشیده است، گلایه نمی کند و روی در دهی دلش مهر سکوت می زند. فقط می گوید: «دوست دارم در این منطقه یک زایشگاه هم تأسیس کنم. اگر مجوز این کار را به من بدهند، زمینش را خودم پیدا می کنم و می سازم.»

حاج آقا عباس هوشمند، پیر مرد موسفید کرده محله سیدی و مسئول در مانگاه امام هادی (ع)، است. پیر مردی که اگر چه فقط شش کلاس سواد مکتبی دارد، جنم کار و درایتش به کار مردم محل آمده است. او در گذر از هفتاد و دوسالگی هنوز دغدغه اصلی اش رتق و فتق امور در مانگاهی است که ۳۸ سال پیش با کمک دیگر خیران محل به راه انداخته است. او هر روز این پله ها را بالا می آید و از ساعت ۸ صبح تا اذان ظهر در دفتر در مانگاه می نشیند. عصر ها هم ساعت ۳ در دفتر کارش حضور می یابد تا کار در مانگاه بدون اولنگ نماند.

نخستین مرکز درمانی سیدی

سال ۵۸ سیدی محله ای خلوت در حاشیه شهر است که رونقش به چند واحد صنعتی است. محله ای که از شهر دور است و هر چند مردم در آن زندگی می کنند، خبری از خدمات درمانی در آن نیست. اولین جرعه این در مانگاه را سه تن از اهالی محل که هنوز هم جزو هیئت امنای در مانگاه هستند، می زنند. عباس هوشمند، سلیمانی و قاسم پور، سه دوستی هستند که هنوز بر سر پیمان نخست اند. یک ساختمان پایه اتاق می شود اولین ساختمان در مانگاه. ساختمانی که خیری به نام مکاریان به مدت سه سال به آن ها امانت می دهد. امانتی که بازگرداندنش ۱۴ سال طول می کشد. با سه نفر یک در مانگاه کوچک به راه می اندازند تا خدمات اولیه درمانی را به مردمی که دستشان از همه چیز کوتاه است، بدهد. دکتر توتونیان، از پزشکان قدیمی مشهد و یک ماما و یک ترزیقاتی، اولین اعضای کادر درمانی ای هستند که در این محله شروع به کار می کنند. یک در مانگاه دوشیفته با حداقل امکانات که خدماتش هر چند رایگان نیست، با هزینه بسیار کم ارائه می شود.

وقف در مانگاه به جای مسجد

چهار ده سالگی در مانگاه، سال برکت است برای این مرکز درمانی. در مانگاه کوچک حالا دیگر با گرفته است. از طرفی سیدی دیگر آن محله کم جمعیت کنار شهر نیست که مردمش بازاری رفت و آمد کنند. پای ساکنان جدید به محله باز و محله روز به روز گسترده تر می شود. آدم های بیشتر خدمات درمانی بیشتری هم می خواهند و دیگر یک ساختمان سه اتاقه جوابگوی نیاز های منطقه نیست. هوشمند پیگیر زمین می شود. انارکی، بانویی که صاحب زمین ۵۰ متر مربعی نبش بولوار صبا و خیابان خلیج است، راضی می شود که به جای وقف زمینش برای مسجد، آن را برای ساخت در مانگاه بدهد اما زمین خالی کجا و ساختمان در مانگاه کجا؟

۵ متر مربع کار خیر

هوشمند می گوید: «با مشقت زیادی در مانگاه را ساختیم.» او کارش این است که برود به فرورونده مصالح ساختمانی سر بزند. شده حتی به اندازه ۵ متر سنگ از هر کدامشان بگیرد، این کار را می کند تا نگار در کار در مانگاه بخوابد. هوشمند اشاره می کند: «هنوز هم اگر سنگ فرش های کف در مانگاه را نگاه کنید، یاد کار آن روزها را می بینید. هیئت امنای در مانگاه هر بار یک صنف را دعوت می کنند و از آن ها می خواهند که گوشه ای از کار را بگیرند.»

بول یک کامیون، یک طبقه از در مانگاه را ساخت

طبقه اول در مانگاه به این صورت ساخته می شود. در مانگاه گسترده تر

فاصله است. اتاق های این طبقه همه در اختیار قسمت آزمایشگاه است. یا نمونه گیری می کنند یا بیوشیمی، سونوگرافی و رادیولوژی، دستگاه سونوگرافی را تازه خریده اند تا رفت و آمد مادرهای باردار به این مرکز زیاد باشد. پزشک متخصص زنان هم از پزشک های فعال در مانگاه است که کارش با استقبال بانوان این منطقه روبه روست.



فقط ۳ دستگاه در مشهد

قابی بر سر دستگاه گذاشته می شود. صدای نرمی که از دستگاه بلند می شود، حکایت از شروع تجزیه و تحلیل نمونه های آزمایشگاهی دارد. کارشناس آزمایشگاه توضیح می دهد که از این دستگاه فقط سه نمونه در مشهد وجود دارد و دستگاه ظرفیت ۶۰ نمونه هم زمان را دارد که بدون دخالت دست، تمام مراحل را انجام و نتیجه را تحویل می دهد. مراجعات روزانه از حدود ۶۰ تا ۱۰۰ مورد متغیر است و تمام آزمایش های هورمونی و تیروئیدی را انجام می دهند تا خیال همه بیمارانی که نسخه آزمایش دارند، از بابت آن راحت باشد؛ چون یک در مانگاه خیریه مجهز به دستگاه های جدید در دسترس است که می توانند به آن مراجعه کنند و منتظر پاسخ باشند.



بیشتر از ۴ یونیت ممنوع

طبقه بالای در مانگاه مخصوص خدمات دهان و دندان است. هر پله ای که بالا می روی، از همه به طبقه همکف در مانگاه دورتر می شوی و به سکوت و خلوتی دندان پزشکی می رسی. اینجا دیگر خبری از کودکان بی تاب و چهره های بیمار نیست. چند نفری منتظرند تا نوبتشان شود و معاینه شوند. مرد لاغر اندامی وارد می شود و از قیمت خدمات می پرسد. دستیار دندان پزشک می گوید: «باید معاینه شوید.»

بیشتر خدمات دندان پزشکی از کشیدن تا ایمپلنت و جراحی انجام می شود. در تمام اتاق ها دو یونیت برای معاینه و برای ارائه خدمات دندان وجود دارد. در انتهای راهرو، سمت راست در یکی از اتاق ها بسته است. اتاقی که به عنوان انبار از آن استفاده می شود. مسئله تعجب برانگیز این است که چهار یونیت سالم در گوشه اتاق رها شده است و مسئول در مانگاه می گوید: «ما ۱۰ یونیت داشتیم. این منطقه نیازمند است. ما هم امکانات و شرایط و پزشکش را فراهم کردیم اما گفتند چون خدمات دندان پزشکی شما شبانه روزی نیست، نمی توانید بیشتر از چهار یونیت داشته باشید. حالا فقط چهار اتاق دندان پزشکی داریم و مابقی بدون استفاده است.»

در این طبقه ساکت، بخش چشم پزشکی هم قرار دارد. عینک هایی که معلوم نیست قرار است دید چه کسی را به دنیا تغییر بدهند و رنگ ها برای چه کسی شفاف کنند؟ در مانگاه در حد وسیع خودش سعی کرده است نیازهای منطقه را رفع کند.

